

بررسی تأثیرات گفتمان نظام حاکمیتی ایران در تداوم جنگ تحمیلی

هادی قیصریان فرد^۱

چکیده

برخی کارشناسان و حتی فرماندهان جنگ، براین باورند که ایران می‌باید بعد از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ شرایطی مثل قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرفت و به جنگ خاتمه می‌داد؛ زیرا با فتح خرمشهر و عقب‌نشینی عراق به مرزهای اولیه این امکان محقق شده بود و ایران می‌توانست با یک مانور سیاسی جنگ را تمام کند. اما چرا این امر اتفاق نیفتاد و جنگ ادامه پیدا کرد، پرسشی است که در این پژوهش براساس تحلیل گفتمان نظام حاکمیتی دو کشور ایران و عراق به آن پرداخته خواهد شد. مدعای مطرح‌شده در پژوهش حاضر به عدم تحقق خواسته‌ها و اهداف طرفین درگیر در جنگ تأکید دارد. پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به ترسیم و تفسیر فضای گفتمانی حاکم بر کشور ایران در مقطع جنگ بعد از فتح خرمشهر خواهد پرداخت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که دلایل تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱، حاصل تغییرات در نظام گفتمان حاکمیتی ایران از گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی به گفتمان آرمان‌گرایی ارزش‌محور مبتنی بر مباحث ایدئولوژیک و اعتقادی بوده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز روش پژوهش در منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، گفتمان حاکمیتی، صدور انقلاب، اسلام‌گرایی.

۱. دانش‌آموخته مقطع دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

h.gheisarian@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

Investigating the effects of the discourse of Iran's sovereign system in the continuation of the imposed war

Hadi Qeisaryan Fard¹

Abstract

Some experts and even war commanders believe that Iran should have accepted something like Resolution 598 after conquering Khorramshahr in 1982 and ended the war; Because with the conquest of Khorramshahr and the retreat of Iraq to the original borders, this possibility was realized and Iran could end the war with a political maneuver. But why does this not happen and the war continues. It is a question that will be addressed in this research based on the discourse analysis of the governance system of the two countries of Iran and Iraq. The claim raised in the current research emphasizes the failure to achieve the ideal goals of the warring countries. The research method will be descriptive-analytic and with the approach of discourse analysis and drawing and interpreting the discourse space that dominates the two countries of Iran and Iraq in the period of the war after the conquest of Khorramshahr. Certainly, by drawing and knowing such a space, the reasons and not the reasons for the continuation of the war, which are ideological and religious issues, will be revealed to the audience as research findings. The method of collecting information is in the form of library and documents.

Keywords: Islamic revolution, discourse, imposed war, issuing revolution, Islamism

^۱ . Ph.D. in History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

مقدمه

با تهاجم نظامی عراق، محور اصلی کنش راهبردی ایران مقابله با تهاجم نظامی عراق شد و با توجه به گستردگی و تخصصی بودن جنگ، امام خمینی مسئولیت برخی از امور اجرایی و کارشناسی مرتبط با جنگ را به مسئولان کشوری و لشکری تفویض کرد و خود به ترسیم تبیین و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی و راهبردی کشور در دوره جنگ پرداخت. بدین‌منظور در ابتدا برای تمرکز در تصمیم‌گیری و انسجام در قوای نظامی، ابوالحسن بنی‌صدر را به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح معرفی و منصوب کرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های فرماندهی بنی‌صدر، تأکید بر نقش یگانه ارتش، جنگ کلاسیک و توجه کمتر به بسیج نیروهای مردمی و همکاری با سپاه پاسداران بود. پس از رأی مجلس شورای اسلامی به ریاست‌جمهوری بنی‌صدر و متعاقب آن، عزل او از فرماندهی کل قوا در خرداد ۱۳۶۰، زمینه لازم جهت تحول در مدیریت و فرماندهی جنگ بیشتر فراهم شد. به‌طوری‌که همکاری سازنده‌ای بین ارتش و سپاه پاسداران شکل گرفت که نتیجه آن اجرای چند عملیات بزرگ و موفقیت‌آمیز؛ ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس (آزادسازی غرب کارون، هویزه، خرمشهر ۲/۱۰ تا ۱۳۶۱/۳/۳۱) بود.

بعدها با توجه به اهمیت استراتژیک فتح خرمشهر، این پرسش اساسی مطرح گردید که چرا پس از فتح خرمشهر و عقب‌نشینی نیروهای عراقی به مرزهای اولیه، جنگ ادامه پیدا کرد؟ این مسئله موجب بروز دیدگاه‌های مختلف و در نتیجه رویکردهای متفاوت در خصوص توقف یا تداوم جنگ گردید. برخی تحلیل‌گران براین باورند که تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ و عقب‌راندن عراق به پشت مرزهای خود، مبتنی بر اصرار ایران به ادامه جنگ بوده است، چراکه نه تنها علت وجودی جنگ، یعنی اشغال بخشی از سرزمین ایران توسط عراق، پس از سال ۱۳۶۱ از بین رفت، بلکه ایران به شیوه‌های مختلف بر تلاش‌های میانجیگری کشورهای ثالث، برای برقراری آتش‌بس پاسخ منفی داد. دراین‌ارتباط

برخی کارشناسان و محققان جنگ معتقدند که دلیل تداوم جنگ از طرف ایران، تبعات فرافکنی مشکلات داخلی توسط سیاسیون بود. به عبارت دیگر، ناتوانی مسئولان ایرانی در حل مشکلات پس از انقلاب و تعارضات سیاسی درونی باعث شد که بر پدیده ویرانگر جنگ به عنوان یک نعمت الهی نگریسته شود. براین اساس پایه های حکومت جمهوری اسلامی ایران در خلال جنگ تحکیم شد و به قول امام خمینی «ما (جمهوری اسلامی) انقلابمان را در جنگ به جهان صادر کردیم.» (صحیفه امام خمینی، ۲۱/ ۲۸۳). اشکال مهم این ادعا از نگاه کارشناسان آن است که این افراد به ابعاد حقوقی و سیاسی و به ویژه ارزشی تداوم جنگ توجه نداشته و تنها دلیل ادامه جنگ را ناتوانی مسئولان نظام جمهوری اسلامی در حل تعارضات درونی انقلاب و امیدواری آنها به کسب پیروزی های بیشتر در ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر می دانند. البته این دیدگاه نمی تواند به طور کامل چرایی تداوم جنگ را تبیین کند؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران در همان روزهای آغازین شرایط داخلی و خارجی مناسبی نداشت و تصور اینکه ایران با توجه به شرایط نامناسب داخلی و براساس محاسبه عقلانی هزینه و فایده به این نتیجه رسیده بود که طولانی شدن جنگ به استحکام آن می انجامد نادرست است و باید علل و دلایل موجه تری برای پاسخ گویی به این مسئله پیدا کرد. برای این منظور باید به سراغ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در آن دوره رفت تا به صورت واضح ابعاد دیگر از چرایی تداوم جنگ نمایان گردد. در پژوهش حاضر تلاش می شود مسئله تداوم جنگ براساس رویکرد تحلیل گفتمان مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد و به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چرا پس از آزادسازی خرمشهر و بازپس گیری برخی دیگر از مناطق متصرفی و همچنین طرح پیشنهاد آتش بس، جنگ پایان نیافت.

بیان مسئله

آزادسازی خرمشهر و سایر مناطق اشغالی ایران در سال ۱۳۶۱ به منزله آغاز روند جدیدی بود که علاوه بر تغییر در ماهیت جنگ کلاسیک و روی آوردن به بسیج مردمی، محاسبات عراق و سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را با چالش عمده‌ای مواجه کرد. در آن مقطع برتری نظامی ایران در میدان نبرد برای حکومت عراق و حامیان آن نگرانی‌هایی ایجاد کرد، به طوری که برای مهار و جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق، پیشنهادهایی از سوی دولت عراق و قدرت‌های حامی آن برای پایان‌دهی به جنگ مطرح - گردید که به دلیل تأمین نکردن شرایط و خواسته‌های ایران با عدم استقبال رهبران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شد و در نتیجه به رغم انتظارهای موجود جنگ ادامه یافت. اتخاذ استراتژی تداوم جنگ بعد از خرداد سال ۱۳۶۱ از سوی ایران سبب گردید تا از یک طرف کشور عراق برای اجتناب از تلفات بیشتر و حفظ ارتش خود و همچنین حفظ بصره به صورت هرچند تاکتیکی تصمیم به عقب‌نشینی از خاک ایران بگیرد و از طرف دیگر این احساس روانی در بین مسئولان ایرانی پدید آمد که می‌توانند به تأمین خواسته‌های خود برای پایان‌دادن به جنگ امیدوار باشند؛ چراکه پس از عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱، صحنه میدان جنگ به نفع ایران برگشت و صدامی که در شروع جنگ از قادیسیه سخن رانده بود تغییر موضع داد و گفتمانش به سمت صلح (تاکتیکی) چرخید. بنابراین شرایط پیش‌آمده پس از فتح خرمشهر و شکست عراق در سال ۱۳۶۱، باعث شد تا مسئولان سیاسی و نظامی ایران در یک آزمایش سخت برای ترک مخاصمه یا تداوم جنگ قرار بگیرند. بنابراین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران که مبتنی بر حفظ و توسعه آرمان‌های ارزش‌گرای انقلاب اسلامی بود، نقش مهمی در اعلام مواضع تصمیم‌گیرندگان برای ادامه جنگ ایفا کرد؛ چراکه آنان با بهره‌گیری از مباحث گفتمانی، تئوریک و اعتقادی کوشیدند اهداف آرمانی انقلاب اسلامی و همچنین اهداف سیاسی بالقوه

خود را در جنگ پیش ببرند و پدیده طولانی شدن جنگ را در بستر تعامل تحولات اجتماعی و آرمان‌خواهی انقلابی توجیه کنند. اینکه چگونه تصمیم‌گیرندگان جنگ تحت تأثیرگفتمان حاکمیتی جنگ را اداره کردند و آن را به پیش بردند مسئله اساسی این پژوهش مطرح است و نگارنده تلاش دارد با بررسی گفتمان‌های حاکم بر دو کشور ایران و عراق، که یکی مبتنی بر اسلام‌گرایی ارزش‌محور و دیگری بر اساس گفتمان ژئوپلیتیک محور بود، آن را بررسی کند.

چارچوب نظری

از آنجا که تحقیق حاضر مبتنی بر مباحث گفتمانی است، بنابراین تلاش بر آن است تا مطالب ارائه شده براساس یک چارچوب نظری منسجم و منطبق با محتوای تحقیق باشد و چون نظریه گفتمانی لاکلا و موفه قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی دارد، ما نیز در چارچوب همین نظریه، تحقیق پیش‌رو را پیش خواهیم برد. از نظر لاکلا و موفه، گفتمان‌ها تنها دریچه موجود برای شناخت جهان‌اند. هر گفتمان، بخش‌هایی از حوزه اجتماع را دربر می‌گیرد و به همه چیز در چارچوبی از نظام معانی، مفهومی خاص می‌بخشد. مفهومی که مختص همان نظام معنایی است. در چنین حالتی، ممکن است یک فعل، سخن، نماد یا... در دو گفتمان متفاوت، معنایی متفاوت و حتی متضاد با یکدیگر داشته باشند (مک‌دافل، ۱۳۸۰: ۱۲۵). به همین دلیل از منظر لاکلا و موفه، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست. اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند.

۱. ژئوپلیتیک «علمی است که ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی را در قالب کُنش متقابل مناسبات قدرت در ابعاد همزیستی، هم‌وردی، کشمکش، تنش و جنگ با قلمرو (فضا و سرزمین) و قلمرومندی (قلمروخواهی، قلمروسازی و قلمروداری) انسان مطالعه می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۵۱).

(تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶). به عبارت دیگر، آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است. درعین حال این نظریه، ابزاری را در اختیار محقق قرار می‌دهد که به‌خوبی بتواند روابط درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی حاکم بر جوامع را بشناسد و عناصر و اجزای مختلف پدیده‌های اجتماعی را تحلیل کند. البته لاکلا و موفه برای تبیین نظریه خود، مفاهیم متعدد و گاه پیچیده و دارای وجوه مختلف را به کار گرفته‌اند که فهم نظریه آنان و طبعاً کاربست آن نیازمند شناخت این مفاهیم گفتمانی است. به عنوان مثال، دالّ و مدلول دو مفهوم اصلی در نظریه لاکلا و موفه‌اند که نقش کلیدی دارند. اما منظور از مفهوم دالّ در نظریه گفتمانی چیست؟ دالّ‌ها درواقع، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی بر معانی خاصی دلالت می‌کنند.

همچنین معنا و مصداقی که یک دالّ بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن، دالّ موردنظر معنا می‌شود. به عنوان مثال گفتمان و سیاست خارجی ایران در آغاز جنگ تحمیلی که مبتنی بر گفتمان مصلحت و مصالحه‌محوری با غرب بود به ترتیب در سیاست خارجی کریم سنجابی، ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب‌زاده به عنوان مسئولان وزارت امور خارجه تجلّی پیدا کرد. آنان در گفتمان سیاسی خود، اصالت دادن به دستاوردهای سیاسی و اجتماعی غرب را با تلفیقی از دینداری و معنویت اسلامی مدنظر قرار می‌دادند. نکته مهم درخصوص گفتمان لاکلا و موفه وجود یک مفهوم دالّ مرکزی «nodal point» و نیز یک دالّ شناور یا چندین دالّ شناور است که سایر دالّ‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند. دالّ مرکزی در نظریه گفتمان لاکلا و موفه به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود خیمه فرو می‌ریزد. به عبارت دیگر، دالّ مرکزی آن چیزی است که در گفتمان رقیب طرد شده و جای آن خالی است (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). همان‌طور که اسلام‌گرایی در گفتمان حاکمیتی جمهوری اسلامی و ملی‌گرایی در

گفتمان نهضت آزادی ایران دالّ مرکزی محسوب می‌گردند. بنابراین آنچه در مفصل‌بندی این دو گفتمان به‌عنوان دالّ مرکزی نمایان است، تأکید بر ملی‌گرایی و اعتقاد به مکتب ایرانی یا تأکید بر عنصر دولت-ملت در مقابل محور قراردادن اسلام است.

به عبارت دیگر، در «گفتمان ملی‌گرایی مذهبی» که در دوره اول جنگ تحمیلی بر سیاست خارجی ایران حاکم بود نوعی برداشت و تفسیر حداقلی از اسلام و انقلاب اسلامی وجود داشت؛ بدین معنا که بر عنصر دولت-ملت در محدوده‌ی سرزمین ایران به‌عنوان دالّ مرکزی گفتمان خود بیشتر تأکید داشتند و با این توضیح مفاهیمی چون «صدور انقلاب»، «رفع ظلم از مستضعفین جهان» و... دیگر در دستگاه گفتمانی آنان جایی نداشت. درواقع گفتمان مصلحت‌گرای اوایل جنگ سعی داشت بر مبنای ساختار نظام معنایی خود، مدلول سازگار با نظام گفتمانی‌اش را برجسته سازد و مدلول‌های دیگر را به حاشیه براند. نکته دیگر درخصوص نظریه گفتمانی لاکلا و موفه فهم مفاهیم «ضدیت» و «غیریت» است، چراکه گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند و هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۲۷).

اما موضوعی که در اینجا مطرح است بحث اعمال قدرت گفتمانی است، زیرا شکل‌گیری هر گفتمانی تنها از طریق اعمال قدرت ممکن است. چیزی که در سیاست خارجی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران در دوره جنگ تحمیلی رخ داد دقیقاً همان اعمال قدرت گفتمانی بود که به‌وسیله آن، گفتمان اسلام‌گرای رقیب توانست قدرت غیر(گفتمان ملی‌گرا و مصلحت‌محور) را طرد و خود را تثبیت کند. به بیان دیگر، در منازعات سیاسی اوایل جنگ، این گفتمان اسلام‌گرای ارزش‌محور یا همان آرمان‌گرایی انقلابی بود که توانست با به‌کارگیری ابزارهای لازم برای اعمال قدرت، گفتمان ملی‌گرایی رقیب را به حاشیه ببرد و درنهایت از صحنه قدرت سیاسی حذف کند. در اینجا باید به یک خلأ اجتماعی در آن مقطع از جنگ تحمیلی نیز اشاره کرد که در نظریه گفتمانی لاکلا و موفه از آن تحت عنوان دالّ

خالی یاد می‌گردد. دالّ خالی یا دالّ‌های خالی نشان از یک امر غایب دارند و وظیفه آنها بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. اگر گفتمان‌های مسلط بتوانند این خلأها را پر کنند، ادامه حیات خود را تضمین نموده‌اند و در غیراین صورت، جای خود را به گفتمان‌های رقیب خواهند داد. چیزی که در دوره آغازین جنگ تحمیلی شاهد آن بودیم ناهمخوانی یا عدم‌همراهی کامل جامعه ایرانی با گفتمان ملی‌گرایی درمقابل گفتمان انقلابی ارزش‌محور بود. همین امر زمینه را برای تقویت دستگاه گفتمانی اسلام‌گرایان در نهادهای سیاسی و تصمیم‌گیرنده کشور فراهم کرد. نتیجه آنکه گفتمان و شعارهای آرمان‌گرایانه انقلابیون در جهت صدور انقلاب اسلامی مانع از آن شد تا بعد از آزادسازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ جنگ به پایان برسد. این بدان‌معناست که احساس رسالت انقلابی و صدور انقلاب بر تفکرات و رفتارهای تصمیم‌گیرندگان سایه افکنده بود و همین امر باعث شد تا بین صدور انقلاب و تأمین امنیت نظام پیوستگی ایجاد و چنین تصور شود که اگر انقلاب در موضع دفاعی قرار بگیرد و در مرزهای ایران محصور شود ادامه بقا و امنیت نظام انقلابی ممکن نخواهد بود.

درخصوص چرایی تداوم جنگ، تحقیقات زیادی از سوی محققان نظامی و سیاسی صورت گرفته است که به‌دلیل نقش‌آفرینی در دوره جنگ، اغلب نگاه‌های احساسی و حماسی دارند. اما در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ از منظر تحلیل گفتمانی، پژوهش جدی و منسجمی انجام نشده است. ازجمله آثاری که به موضوع پژوهش حاضر پرداخته‌اند عبارت‌اند از: کتاب «جنگ ایران-عراق: اولین جنگ خلیج (۱۹۸۸-۱۹۸۰)» تألیف پیر رزو^۱ به زبان فرانسه است که در نوامبر ۲۰۱۵ (اواخر آبان ۱۳۹۴)، توسط «نیکولاس الیوت» (Nicholas Elliott)، تحت عنوان «جنگ ایران-عراق» (The Iran-Iraq War) به انگلیسی ترجمه شد. او این کتاب را برپایه آرشیوهای نظامی، تاریخ شفاهی و مصاحبه‌های شفاهی با فرمانده‌های صدام

۱. Pierre Razoux.

نگاشته است. کتاب «جنگ ایران و عراق» به سؤالاتی درخصوص این معمای تاریخی پاسخ می‌دهد که چرا صدام این جنگ پرهزینه و درنهایت بی‌نتیجه را آغاز کرد؟ و چرا این جنگ هشت سال طول کشید درحالی که می‌توانست در چند ماه پایان یابد؟ کتاب دیگری که در این زمینه وجود دارد کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» تألیف حسین علایی است که تحولات جنگ عراق با ایران را بررسی می‌کند. از ویژگی‌های مهم این کتاب دوجلدی، حضور نویسنده در سطح عالی جنگ است. وی از فرماندهان ارشد سپاه در جنگ بود و از پیشینه آن اطلاع داشته است. نویسنده در این کتاب به بررسی تهاجم اولیه عراق، به کارگیری و سازمان‌دهی مردمی توسط قوای ایرانی در آغاز جنگ، آزادسازی مناطق اشغالی، فتح بستان و خرمشهر، تداوم جنگ، عبور از مرز و تعقیب دشمن، جنگ شهرها به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق و ماجرای مک‌فارلین پرداخته است. کتاب جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل^۱ تألیف حاجی‌یوسفی اثر دیگری است که ابعاد نوینی از جنگ ایران و عراق را از رهگذر نظریه‌های شناخته‌شده روابط بین‌الملل بررسی می‌کند. حاجی‌یوسفی سؤال اصلی پژوهش خود را براین اساس مطرح می‌کند که چگونه می‌توان نظریه‌های جنگ در رشته روابط بین‌الملل را درمورد جنگ ایران و عراق به کارگرفت و آنها را آزمود؟ همچنین حاجی‌یوسفی با اشاره به شیوه‌های مختلف طبقه‌بندی نظریه‌های جنگ در سه مبحث آغاز، تداوم و پایان جنگ، مهم‌ترین نظریه‌های سیاست خارجی را در قالب چهار پارادایم واقع‌گرایی، لیبرالیسم، برساخت‌گرایی و مارکسیسم مورد توجه قرار داده است. پایان‌نامه بررسی عوامل و زمینه‌های وقوع جنگ عراق علیه ایران و نقش آمریکا و

۱. حاج‌یوسفی، امیرمحمد، جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، نشر صفحه جدید، ۱۳۹۲.

شوروی در تداوم آن^۱ نوشته عراقی به نقش شوروی و آمریکا در آغاز و تداوم جنگ عراق علیه ایران پرداخته است. همچنین مقاله «تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق»^۲ به قلم رشید به نقش متفاوت عوامل ژئوپلیتیک به عنوان مؤلفه‌های پایدار و تأثیرگذار در مناسبات دو کشور ایران و عراق در دوره جنگ پرداخته است. رشید در این مقاله، فرصت‌های ژئوپلیتیک را که برای طراحی راهبردهای دفاعی مناسب در اختیار ایران بوده مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد. علاوه بر این، باید به مقاله «تحلیل کنشی گفتارهای نمایندگان مجلس دوره اول شورای اسلامی با تأکید بر آیات جنگ و جهاد» نوشته محمدی و منصوری در نشریه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی اشاره کرد که در آن به تحلیل گفتاری نمایندگان مجلس در دوره جنگ با استناد آنان به آیات قرآنی پرداخته‌اند و سعی کرده تا از نگاه آنان جنگ را برای مردم تشریح کند. تفاوت تحقیق حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده در نوع نگاه به مسئله تداوم جنگ است، بدین معنا که در پژوهش‌های پیشین به مباحث نظری، ژئوپلیتیک و تحولاتی روند جنگ پرداخته شده است، اما پژوهش حاضر تلاش می‌کند تداوم جنگ را از منظر تغییرات گفتمانی در نظام حاکمیتی مورد بررسی قرار بدهد.

نظام معنایی و دال‌های گفتمانی نظام حاکمیتی ایران

دوره اول: حاکمیت جریان ملی مذهبی (دولت موقت)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تا قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی، دو نوع گفتمان عمده در دستگاه دیپلماسی و روابط خارجی ایران وجود داشت: یک گفتمان مربوط به

۱. عراقی، عبدالله، بررسی عوامل و زمینه‌های وقوع جنگ عراق علیه ایران و نقش آمریکا و شوروی در تداوم آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر رضا جلالی، تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکز، گروه حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۱.

۲. رشید، غلامعلی، «تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق»، فصلنامه نگین ایران، دوره سوم، شماره ۲۳، ۱۳۹۱.

جریان ملی- مذهبی و دولت موقت بود که اعتقاد داشت باید تمامی امکانات را برای سازندگی داخلی متمرکز کرد تا در نتیجه آن ایران انقلابی به یک الگو و نمونه موفق در دنیا بدل گردد. مهم‌ترین مفاهیم و دال‌هایی که در نظام معنایی گفتمان مذکور مفصل‌بندی شده بودند شامل «قانون اساسی»، «امنیت ملی»، «پیشرفت و عمران آبادانی» و «آزادی‌خواهی» حول دال مرکزی «ناسیونالیسم ملی» بود (اسناد نهضت آزادی، ۱۳۶۳: ۴۸-۴۹). بدین ترتیب در گفتمان و تفکر جریان ملی- مذهبی توجه به عنصر منافع ملی به عنوان اصل تعیین‌کننده در سیاست خارجی جایگاه مهمی داشت، به طوری که در اوایل انقلاب اسلامی مهندس بازرگان به عنوان رهبر فکری این گفتمان، آرمانی متفاوت با جریان اسلام‌گراها دنبال کرد. چنان که او یکی از تفاوت‌های حساس و ظریف بین نیروهای ملی مذهبی و نیروهای انقلابی را در خدمت‌رسانی به اسلام و ایران می‌دانست (درویان، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

در مقابل گفتمان یادشده تفکر و گفتمان دیگری موسوم به آرمان‌گرایان انقلاب وجود داشت که اصرار بر صدور انقلاب در عرصه‌های خارج از مرزهای سرزمینی داشتند. همان‌طور که جان اسپوزیتو گفته است انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت شعارها، هدف‌ها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توانست پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام باشد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۴۴). بنابراین نتیجه تفکر ذکرشده در آن مقطع تاریخی آن بود که دولت موقت مهدی بازرگان را به دلیل سیاست‌هایی که در برابر عراق اتخاذ نموده بود به سهل‌انگاری متهم کردند. البته در مقابل این ادعاها، افرادی مانند یدالله سبحانی و خود مهدی بازرگان تلاش کردند تا در همه آثار و سخنان خود، تفسیر جدیدی از عقاید و آموزه‌های اسلامی ارائه بدهند و حقانیت اسلام را با علوم تجربی و دستاوردهای علمی به اثبات برسانند.

با این تفاسیر می‌توان گفت که مشخصه اصلی تفکر جریان ملی مذهبی، نوعی برداشت و تفسیر حداقلی از اسلام و انقلاب اسلامی بود. بدین معنا که آنها بر عنصر دولت - ملت، در

محدوده سرزمین ایران به عنوان دالّ مرکزی گفتمان خود تأکید داشتند. با این توضیح مفاهیمی همچون «صدور انقلاب»، «رفع ظلم از مستضعفین جهان» و... در دستگاه گفتمانی آنان نمی گنجید. به عبارت دیگر، استنباط آنها از اصل «نه شرقی نه غربی» مترادف با اصل «عدم تعهد و موازنه‌ی منفی» و در نهایت یک بینش تدافعی بود (فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۹۲).

دوره دوم: دوره حاکمیت انقلابیون آرمان‌گرا

بعد از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا و کناره‌گیری اعضای دولت موقت از صحنه قدرت سیاسی کشور،^۱ جریان آرمان‌گرایان انقلاب اسلامی با گفتمان اسلام‌گرایی ودالّ‌هایی همچون صدور انقلاب، استکبارستیزی و توجه به حفظ منافع ملی، بر سیاست خارجی ایران حاکم شدند که از یک سو به تصور حاکمان عراق، درصدد به خطر انداختن امنیت جغرافیایی عراق بودند و از سوی دیگر شرایط را برای تشکیل گفتمان ژئوپلیتیک محور در کشور عراق با دالّ‌های همانند امنیت، مقابله با صدور انقلاب و پان‌عریسم فراهم کردند. به عبارت دیگر، تغییرات گفتمانی در ایران باعث شکل‌گیری گفتمان جدیدی در کشور عراق تحت عنوان گفتمان ژئوپلیتیک محور شد که این گفتمان با دالّ‌ها و نظام معنایی خاص خود در جهت تقابل با گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا که به دنبال توسعه و صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی به محیط پیرامونی را داشتند موضوعیت شکل‌گیری پیدا کرده بود.

۱. اعضای جریان ملی مذهبی در دو دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی به فعالیت ادامه دادند و مواضع آنان در خصوص شروع و تداوم جنگ قابل توجه است.



وفیق سامرایی با تأیید ترس حکومت وقت عراق از صدور انقلاب ایران در این باره چنین می‌گوید: صدور انقلاب اسلامی یا انقلاب ایرانی در آن زمان یک واقعیت بود و شعار صدام در جنگ با ایران دفاع از دروازه‌های شرقی جهان عرب در برابر انقلابی بود که به‌زعم او در پس عنوان اسلامی آن، سودای سلطه فارس بر عرب و شیعه بر سنی داشت، ولی این شعار در دل مردمان عرب بی‌تأثیر نبود (السامرایی، ۱۳۹۶: ۱۹۲). به نظر می‌رسد که السامرایی با این گفته‌ها می‌خواهد نشان بدهد که حمله عراق به ایران دفاع در راه سلطه ایران بر اعراب بوده است. اگرچه علاوه بر گفته‌های سامرایی، کارشناسان غربی دیگر نیز ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را نیز ناشی از پیگیری شعار صدور انقلاب از سوی ایران می‌دانند، به گونه‌ای که سعی می‌کنند ایران را مقصر نشان بدهند؛ زیرا حکومت ایران بعد از خرمشهر، به‌جای معامله با عراقی‌ها به دنبال تأسیس مدلی از جمهوری اسلامی در عراق بوده است (باستانی، ۱۳۹۶: ۲۴). درواقع این تحلیل گران سعی دارند تا در انگاره‌سازی از جنگ عراق و ایران، رهبران و فرماندهان ایرانی را فاقد نگاه واقع‌بینانه نسبت به جنگ نشان بدهند و شعارزدگی ایدئولوژیک را عامل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بدانند. با این تفسیر این امکان وجود دارد که جنگ برای مسئولان حاکمیتی انقلاب ایران حکم یک شمشیر دو لبه را داشته است، چراکه انقلاب ایران اگرچه از معادله مشروعیت انقلابی و تحقق پیروزی بر متجاوز

استفاده می کرد، اما در همان حال نمی توانسته به آسانی و بدون احراز حداقل یک پیروزی ایدئولوژیک آشکار از جنگ خارج شود. نتیجه این موضع گیری ایران هنگامی آشکار شد که شورای فرماندهی انقلاب عراق در پی شکست های نظامی در اوایل سال ۱۳۶۱، بیانیه ای را در دهم ثوئیه ۱۹۸۲ منتشر کرد و در آن خواستار آتش بس یک طرفه و عقب نشینی نیروهایش شد. ولی امام خمینی به این پیشنهاد عراق پاسخ تند و سختی می دهد و خواستار تغییر کل حکومت عراق می شود که البته این موضع گیری باعث تقویت جایگاه سیاسی صدام حسین در منطقه می گردد (الکوارى، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

در آن دوره ایران تصور می کرد با استفاده از ظرفیت ایدئولوژیک انقلاب می شود ملت عراق و به خصوص شیعیان آنجا را با خود همراه بسازد، حتی امام خمینی هنگام اجرای عملیات رمضان که برای تصرف بصره پس از فتح خرمشهر طرح ریزی شده بود، به مردم آنجا پیام می دهند که نیروهای ایرانی را با آغوش گرم بپذیرند. در بخش هایی از پیام امام خمینی چنین آمده است: «ای اهالی غیور بصره، به استقبال برادران مؤمن خود بیایید و دست ستمکار علفی های کافر را از بلاد خود کوتاه کنید» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۶/۱۶). مسئولان ایران در واقع بعد از فتح خرمشهر بر اساس گفتمان حاکمیتی آرمان گرایانه خود به دنبال سرنگونی کامل رژیم صدام و جایگزینی آن با یک رژیم شیعه دست نشانده بودند و برای آنها فرق نمی کرد که چه هزینه ای برای آن باید بپردازند» (کونین ام. وودز، ۱۳۹۱: ۳۹).

ذکر این نکته لازم است که این نوع گفتمان بعد از دوره حاکمیت دولت موقت به وجود آمد؛ چراکه در دوره حاکمیت دولت موقت، سیاست مصلحت گرا و یا واقع گرا بر سیاست خارجی ایران حاکم بود، اما پس از اشغال سفارت آمریکا و استعفای مهدی بازرگان از نخست وزیری، سیاست خارجی ایران مبتنی بر آرمان گرایی یا ارزش گرایی شد. در واقع تا قبل از شروع جنگ تحمیلی، دو نوع سیاست به شکل دو نوع استراتژی بر عرصه سیاست

خارجی ایران با یکدیگر در تنازع بودند که هسته اصلی اختلاف و دوگانگی آنها دقیقاً در گفتمان و تفکرات آنها نمایان بود. بدین معنا که در گفتمان جریان ملی مذهبی؛ خدمت به ایران از طریق اسلام مطرح بود، اما درمقابل هدف و استراتژی راهبردی اتخاذ شده از سوی گفتمان اسلام‌گرای انقلابی توجه به بسط و توسعه ارزش‌های اسلامی از طریق ایران بود» (بازرگان، ۱۳۶۲: ۹۳). حتی نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی در تحلیل‌های گفتمانی خود سعی داشتند در ارتباط با جنگ تحمیلی به آیات قرآنی جنگ و جهاد استناد کنند و اوضاع را برای مردم تشریح کنند (محمدی، ۱۴۰۲: ۴۰۴). نتیجه آنکه درسیاست مصلحت‌گرایانه دولت موقت که مبتنی بر موازنه منفی^۱ بود، سیاست‌هایی همچون صدور انقلاب، جهاد، استکبارستیزی و... کم‌رنگ و در اولویت دوم پس از منافع ملی‌گرایانه قرار داشت، ولی بعد از کناره رفتن دولت موقت، توجه مسئولان حاکمیتی در ایران به سمت سیاست اسلام‌گرایی ارزش‌محور تغییر پیدا کرد. به عبارت دیگر، گفتمان مصلحت‌گرای اسلامی جای خود را به گفتمان اسلام‌گرایی یا آرمان‌گرایی ارزش‌محور داد. اما گفتمان ذکرشده نیز در همه دوران جنگ ثابت نبود و در مقاطعی از جنگ تحمیلی دچار دگرگونی و تغییرات شد.

درحالی‌که سیاست خارجی ایران در بخش اولیه دوران جنگ، عمدتاً بر مبنای گفتمان آرمان‌گرای امت‌محور بود، از اواسط دهه ۱۳۶۰، به تدریج و تحت تأثیر مشکلات داخلی و متأثر از فشارهای بین‌المللی به گفتمانی مرکز‌محور با تأکید بر ضرورت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ام‌القرای شیعه تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۲۱). به عنوان مثال دالّ صدور انقلاب در اوایل جنگ که بیشتر مبتنی بر صدور مستمر بود در گفتمان آرمان‌گرای امت‌محور به

۱. در سیاست موازنه منفی، اگر کشوری در امضای قراردادی احساس ضرر کرده و آن را با یکی از بازیگران مثل انگلیس فسخ نموده، برای توازن باید امتیاز مشابهی را هم که به رقیب (مثل شوروی) داده است، فسخ نماید.

صدور از طریق انقلاب مستقر تغییر یافت. همچنین دیگر دال‌های فرعی همانند منافع ملی، جهاد و استکبارستیزی، امنیت و... نیز به لحاظ استراتژی و معنایی دستخوش تغییرات شدند. از این منظر گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوره بعد از آزادسازی خرمشهر، مبتنی بر اسلام‌گرایی به‌عنوان دال مرکزی و عناصری مربوط به آن مانند استکبارستیزی، صدور انقلاب اسلامی و حفظ منافع ملی به‌عنوان دال‌های پیرامونی شکل می‌گیرد.



با توجه به مطالب مطرح‌شده و حاکم‌بودن گفتمان اسلام‌گرایی ارزش‌محور بر سیاست خارجی ایران، این پرسش مطرح است که این نوع گفتمان چه تأثیری در تداوم جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر داشته است؟ به‌طور کلی در اواخر خرداد ۱۳۶۱ با توجه به تغییر رفتار نظامی و عقب‌نشینی عراق از خرمشهر و دیگر مناطق مرزی، جنگ به یک حالت سیاسی- نظامی تبدیل شد و این امر زمینه را برای ایجاد تغییرات در سطح راهبردی جنگ فراهم کرد. همچنین اختلاف‌نظر در سطح فرماندهان نظامی ارتش و سپاه در نحوه اتخاذ استراتژی و اجرای عملیات‌ها برای تداوم جنگ، امام خمینی را به این نتیجه رسانید تا با انتخاب هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان هماهنگ‌کننده نیروهای مسلح، از ظرفیت‌های سپاه و ارتش علیه نیروهای عراقی بهتر استفاده بشود (صحیفه امام، ۳۵۵/۱۸). این امر باعث شد تا پس از فتح

خرمشهر دو نوع نگاه و استراتژی در کشور مطرح گردد: یکی نگاه و استراتژی امام مبنی بر «جنگ جنگ تا رفع فتنه در کل عالم» بود که نه یک هدف، بلکه یک تدبیر و راهبرد آرمان‌گرایانه و ارزش‌محور است و بر ادامه جنگ تا سقوط صدام و حزب بعث تأکید داشت و دیگری استراتژی رسمی دولت بود که جنگ را برای کسب صلح دنبال می‌کرد (به‌دروند، ۱۳۸۱: ۷۹). البته نگاه هاشمی‌رفسنجانی به مسئله جنگ پس از فتح خرمشهر که عبارت بود از «جنگ تا یک پیروزی چشمگیر»، به نوعی یک هدف‌گذاری برای خاتمه‌دادن به جنگ بود. چنان‌که او از ابتدای صدور حکم فرماندهی جنگ در سال ۱۳۶۲ و انجام عملیات خیبر در بهمن ماه همان سال، صادقانه و شفاف، هدفش را کسب یک پیروزی بزرگ در جبهه و خاتمه جنگ و کسب صلح عنوان می‌کند و این را با امام در میان می‌گذارد. بنابراین در این راستا حرکت کرد و چنانچه می‌توانست به این خواسته جامه عمل بپوشاند و با یک عملیات موفق بخشی از خاک عراق گرفته می‌شد، می‌توانست دست ایران را در مذاکرات صلح بازتر نگه دارد.

محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی نیز با اشاره به مدل نظری امام خمینی (جنگ تا رفع فتنه در عالم) و همچنین مدل نظری آقای هاشمی رفسنجانی (جنگ جنگ تا پیروزی) چنین می‌گوید: «مدل نظری امام که در زمان عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ مطرح شد پاسخی بود به کسانی که فکر می‌کردند اگر ایران نجنگد صلح می‌شود و جنگ تمام می‌شود (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). منظور محسن‌رضایی به طور مشخص هاشمی‌رفسنجانی و سیاسیون همراه ایشان است که بعد از عملیات بیت‌المقدس و اختلاف نظر برای ورود به خاک عراق این مدل را مطرح کردند. طرحی که قصد آن اخذ امتیازات بیشتر در مذاکرات سیاسی برای پایان‌دادن به جنگ بود. البته طرح پیشنهادی، در آغاز با موافقت امام همراه نیست و امام با ادامه جنگ مخالف‌اند. موضوعی که بعدها و برای نخستین بار توسط سید احمد خمینی در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد. در حقیقت اظهارات احمد

خمینی، گفتمان جدیدی را درباره نظریات امام شکل داد و این تصور را به وجود آورد که امام با ادامه جنگ مخالف بودند، ولی با اصرار و پافشاری مسئولان جنگ، نظر خود را تغییر داده است» (روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳۷۴/۲/۱۴). در این خصوص هاشمی رفسنجانی معتقد است که امام با اصل ادامه جنگ موافق بود و اساساً به هیچ کس اجازه نمی‌داد در مورد ختم جنگ با ایشان بحث کند، اما ایشان با ورود نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق موافق نبودند (درودیان، ۱۳۸۷: ۱۴). گفته می‌شود امام پس از فتح خرمشهر در مورد ورود ارتش به خاک عراق مردد بودند، اما فرماندهان نظامی در جلسه مشورتی با امام خمینی اظهار می‌کنند که در صورت عدم ورود به خاک عراق این رژیم نه سرزمین‌های ما را تخلیه می‌کند و نه امتیازی به ما می‌دهد. بر اساس این نظرات، امام متقاعد شدند که به سرزمین‌های فاقد سکونت یا دارای جمعیت کم اجازه ورود بدهند و بدین ترتیب امام خمینی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ مصمم به ادامه جنگ شد (اهوازی، ۱۳۸۵: ۳۸۶). نکته مهمی که در اینجا قابل بررسی است توجه به نقش نظامی‌ها و سیاسیون در تصمیم‌گیری امام برای ادامه جنگ است. برخی کارشناسان جنگ این تحلیل را مطرح می‌کنند که تصمیم‌گیری درخصوص ادامه جنگ با عراق بعد از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر محصول ذهن مسئولان سیاسیون کشور بود و فرماندهان نظامی در این ارتباط نقشی نداشتند. به عنوان مثال غلامعلی رشید از فرماندهان جنگ تحمیلی معتقد است که تصمیم‌گیری درباره ورود به خاک عراق یا توقف در پشت مرزها و یا خاتمه‌دادن به جنگ ماهیتاً امری سیاسی بود و تصمیم به ادامه جنگ ابتدا از سوی سیاستمداران مطرح گردید (درودیان، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این توضیحات بدان معنا است که مسئولان سیاسی با توجه به ضرورت‌های سیاسی به ادامه جنگ تصمیم گرفته بودند ولی آن چیزی که امام را متقاعد کرد استدلال نظامی‌ها برای گرفتن نقطه‌ای از خاک عراق بود. چنان‌که صیاد شیرازی به تمرکز فرماندهان جنگ برای ادامه جنگ پس از عملیات بیت‌المقدس و سرکوب ارتش عراق در خاک خودش اشاره می‌کند و هدف از پیشروی

ارتش ایران را تصرف بصره عنوان می‌کند (دهقان، ۱۳۹۸: ۳۱۵). چنان‌که روشن است منشأ تصمیم‌گیری برای ادامه جنگ ملاحظات و اهداف سیاسی بود که در سایه تغییرات در گفتمان حاکمیتی ایران شکل گرفته بود، ولی در قالب ملاحظات نظامی و دفاعی مطرح و انجام شد.

تغییر در گفتمان نظام حاکمیتی عراق

در مطالب پیشین گفته شد که گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. بدین گونه که با شکست نیروهای عراقی در عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱، گفتمان حاکمیتی در بین رهبران سیاسی و نظامی کشور عراق نیز دچار تغییراتی شد؛ به‌طوری‌که صدام حسین با مشاهده پیروزی رزمندگان ایرانی و ناتوانی نیروهای خود، از اهدافش در چارچوب گفتمان ژئوپلیتیک تهاجمی دست کشید و با تغییر نگرش و نگاه خود به بازتعریف مفاهیم گفتمان تدافعی در مرزهای خود با کشور ایران پرداخت. شفیق الدراجی سفیر دولت عراق در عربستان، بعد از شکست عراق در سال ۱۳۶۱ اعلام می‌کند که دولت عراق آمادگی پذیرفتن همه شرایط ایران را برای پایان‌دهی به جنگ دارد. (مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش.بازیابی: 1985-S). اما این اظهارنظر چندان با اقدام‌های عراق همخوانی نداشت، چراکه بعد از عقب‌نشینی از مرزهای ایران، عراق اقدام به خرید وسایل و تجهیزات نظامی از حامیان خود مثل شوروی، عربستان و کویت می‌کند تا نیازهای ارتش شکست‌خورده خود را برای جبران تأمین نمایند (مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش. ۱۰۸۵۳۵، بازیابی 1985-S). از طرفی صدام حسین و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی او به اهداف از پیش تعیین‌شده خود در جنگ با ایران نرسیده بودند. بنابراین تغییر در گفتمان حاکمیتی عراق و درخواست آتش-بس از سوی آنان به‌خصوص بعد از فتح خرمشهر به‌نوعی یک اقدام تاکتیکی موقت برای

اداره جنگ بود. چنانچه در گزارشی که ملک فهد ارائه می‌دهد این تغییر مواضع در گفتمان صدام حسین به وضوح مشخص است البته صدام اظهار می‌کند که دولت عراق به دلیل حملات توپخانه‌ای ایران در ۴ سپتامبر ۱۹۸۰ به شهرها و روستاهای مرزی، دیگر حاضر نیست به ایران غرامت بپردازد. (مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش ۱۵۲۳، بازیابی: ۱۳۸۵-۵-۱۵) حتی طارق عزیز از اعضای درجه اول شورای فرماندهی انقلاب عراق، طی مصاحبه‌ای در آن دوره اعلام می‌کند که اگر ایران به دشمنی خود ادامه بدهد، عراق هم کوتاه نخواهد آمد و ایران بزرگ را به پنج ایران کوچک تقسیم خواهد کرد تا تهدیداتش کمتر گردد (مرکز اسناد موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش ۱۵۲۳، بازیابی: ۱۳۸۵-۵-۱۵). دبیر اول سفارت الجزایر نیز همین ادعاها را تأیید و عنوان می‌کند که صدام حسین به دلیل شرایط بد داخلی و نابسامان نیروهای نظامی، به دنبال صلح با ایران بود. او در ادامه می‌افزاید دو کشور لیبی و سوریه نیز خواهان پیمان نظامی با ایران برای ادامه جنگ علیه حکومت صدام هستند و تلاش می‌کنند تا نیروهای وابسته به خود را پس از سرنگونی صدام حسین در عراق روی کار بیاورند (مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش ۵۴۴۶، بازیابی: ۱۳۸۵-۵-۱۵). در این خصوص باید گفت عقب‌نشینی و خروج نیروهای عراقی از برخی متصرفات و تغییر گفتمان حاکمیتی در مقطع بعد از فتح خرمشهر، یک اقدام تاکتیکی برای حفظ نیروها و همچنین ایجاد زمینه و فرصت لازم برای تجدیدقوای سازمان رزم و تأمین تجهیزات بوده است و امکان پایان جنگ و برقراری صلح عادلانه، بدون دستیابی به اهداف مدنظر امکان‌پذیر نبود و این امر نقش مؤثری در ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر داشت. درواقع اعلام عقب‌نشینی صدام حسین و تغییر در گفتمان جنگ‌طلبانه‌اش به قصد حفظ و تقویت نیروهایش در جنگ با ایران بود (روزنامه آسوشیتدپرس: ۱۳۶۱/۳/۲۴). به همین دلیل صدام با توسل به شخصیت‌های مختلف از ایران می‌خواهد تا با گذشتن از برخی از حقوق خود به صلح با وی رضایت دهد. به‌عنوان مثال

صدام حتی قبل شکست در عملیات بیت‌المقدس و هنگام بازدید هیئت میانجیگری سازمان کنفرانس اسلامی به ریاست احمد سکوتوره اعلام می‌کند: «عراق حاضر است ضمن عقب‌نشینی از خاک ایران غرامت مالی ایران را بپردازد. منتها بغداد حاضر نیست که تقاضای ایران مبنی بر بررسی متجاوز در این جنگ به یک دادگاه بین‌المللی واگذار شود.» در نهایت صدام حسین پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس از موضعی بسیار ضعیف اعلام می‌کند: «عراق حاضر است نیروهای خود را ظرف دو هفته از خاک ایران خارج کند و تصمیم میانجیگران را درخصوص اختلاف خود با ایران بپذیرد و در صورتی که ایران این تصمیمات را نپذیرد، عراق حاضر است تصمیمات کنفرانس اسلامی را بپذیرد و اگر بازهم ایران تصمیمات این کنفرانس را نپذیرد، عراق آماده پذیرش هرگونه تصمیم جنبش غیرمتعهدها یا شورای امنیت سازمان ملل متحد است.» (فرانس پرس از پاریس به نقل از بیانیه شورای فرماندهی انقلاب عراق: ۱۳۶۱/ ۳/۲۰).

نقش غرب در تقویت گفتمان حاکمیتی عراق

بعد از شکست ارتش عراق در عملیات بیت‌المقدس سال ۱۳۶۱، برخی رسانه‌ها از «احتمال تغییر رژیم بغداد و برکناری صدام از حکومت گفتند و اعلام کردند که صدام حسین احتمالاً از قدرت کناره‌گیری خواهد کرد (مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه؛ ۱۳۶۱/۳/۲۴). این درحالی بود که خود صدام هم پس از شکست‌های پیاپی نیروهایش در جبهه جنگ با ایران، دیگر مانند گذشته از جبهه‌ها دیدن نکرد و در تلویزیون ظاهر نشد. در آن دوره او تصمیم گرفته بود که شخصاً مسئولیت شکست در جنگ را برعهده بگیرد.» (مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه؛ ۱۳۶۱/۴/۲). اما به دلیل اینکه شکست عراق، شکست اهداف غرب و شرق در متوقف کردن امواج انقلاب اسلامی به شمار می‌آمد، نظام بین‌الملل و

کشورهای غربی به شکلی یکپارچه به حمایت از گفتمان حاکمیتی عراق برخاستند. به این منظور امریکا و اسرائیل در ترفندی دقیق و حساب شده طرح حمله به جنوب لبنان را در جهت ایجاد دوگانگی بین نیروهای ایرانی و فرسایش اقتصادی، نظامی و روانی برنامه‌ریزی کردند (منطقی، ۱۳۷۲: ۱۷۱). علاوه بر این کشور مصر نیز در سیاستی هماهنگ شده با اسرائیل توافق کرده بودند تا با اتخاذ یک راهبرد مشترک به حمایت از رژیم عراق برخاسته و از توسعه روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کنند. (مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه: ۱۳۶۱/۳/۲۰). سایر کشورهای غربی مانند امریکا، فرانسه نیز در جهت حمایت سیاسی و روانی از کشور عراق، رهبران کشورهای عرب در منطقه خلیج فارس را متقاعد کردند که از دست دادن یک رهبر پرنرژ در عرب، به صلاح آنها نیست و باید صدام را در جنگ با ایران حمایت همه‌جانبه کرد. (مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه: به نقل از نیویورک تایمز ۱۳۶۱/۴/۲). از این رو کشورهایی مانند عربستان، اردن و... به تکاپو افتادند و در تبلیغات خود از ایران به عنوان «رژیمی متجاوز که قصد دارد توجه جهانیان را از حمله به اسرائیل به لبنان منحرف سازد» یاد کردند (مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه: ۱۳۶۱/۴/۲۴). رسانه‌های خبری عراق و غرب همچنین در تلاش دیگری سعی کردند با تبلیغات و جنگ روانی ضمن افزایش انگیزه‌های روانی نظامیان عراقی برای دفاع از سرزمین خود، نیروهای نظامی ایران را در تصمیم برای تهاجم به کشور عراق، دچار تردید کنند (منطقی، ۱۳۷۲: ۱۷۵). اگرچه آنها در این جنگ تبلیغاتی که راه انداخته بودند تا حدودی موفق شدند و در قضیه تهاجم اسرائیل به لبنان، برای مدتی ایران در دام طرح هماهنگ امریکا، اسرائیل و رژیم بعثی عراق افتاد و از ادامه‌ی جنگ با عراق غفلت شد و ایران به مسئله لبنان مشغول شد، ولی هشدار امام مبنی بر اینکه راه قدس از کربلا می‌گذرد، فضای کاذب و تردیدهای به وجود آمده در ارتباط با تصمیمات

راهبردی برای چگونگی ادامه دادن جنگ را از بین بردند (گذری بر دو سال جنگ، ۱۳۶۱: ۱۶۲). بر این اساس پس از فتح خرمشهر، امام خمینی در ملاقاتی که با مسئولان بلندپایه‌ی مملکتی و نظامی کشور داشتند، از آنها خواستند تا در موقعیت ایجادشده یا با عراق صلح کنند و یا در صورت تمایل ورود به خاک عراق، متعهد شوند که تا آخر پیش بروند و پس از آنکه اکثر مسئولان روی موضوع ورود به خاک عراق تأکید کردند، امام نیز براساس نظر شورای فرماندهان نظامی، طرح تداوم جنگ را پذیرفتند (رشید، ۱۳۸۰: ۷۷). البته به‌زعم برخی نویسندگان غربی، امام خمینی تمایلی به متوقف کردن جنگ در نقطه‌ی مرزی نداشت، زیرا او برتری نیروهای ایرانی را در میدان جنگ می‌دید و ادامه‌ی حملات ایران می‌توانست ایران را از حزب بعث نجات بدهد. بنابراین هنگامی که عراق در یک تغییر موضع پذیرفت تا مذاکره برای صلح را با میانجیگری سازمان ملل آغاز کند، امام خمینی پذیرش قطعنامه سازمان ملل را با وساطت شورای امنیت رد می‌کند و خواستار استعفای صدام از حکومت عراق می‌شود. از طرفی رهبر عراق نیز به این درخواست توجه نمی‌کند و به این دلیل جنگ طی سال‌های بعد ادامه پیدا کرد (اویگاردن، ۱۳۹۶: ۳۸).

نتیجه‌گیری

سال ۱۳۶۱ یکی از پرحادثه‌ترین سال‌های جنگ هشت ساله بین عراق با ایران و درواقع سالی سرنوشت‌ساز بود، چراکه با انجام عملیات بیت‌المقدس، ایران توانست شکست سختی به عراق وارد کند و خرمشهر را در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ آزاد نماید که از آن به‌عنوان یک دستاورد مهم در جنگ یاد می‌شود. بعد از شکست عراق و عقب‌نشینی نیروهای عراقی در خرداد ۱۳۶۱، شرایط جدیدی در جنگ ایجاد گردید که نیاز به تصمیم‌گیری دقیق و مناسب داشت؛ چراکه با عقب‌نشینی نیروهای عراقی از بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی و همچنین طرح پیشنهاد آتش‌بس از سوی عراق، انتظار خاتمه جنگ می‌رفت، اما آن‌گونه نشد و جنگ

تداوم پیدا کرد. دلایل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱، حاصل تغییرات در نظام گفتمان حاکمیتی ایران و توجه مسئولان نظام به سمت سیاست اسلام‌گرایی ارزش‌محور بود. به عبارت دیگر گفتمان مصلحت‌گرای اسلامی جای خود را به گفتمان اسلام‌گرایی یا آرمان‌گرایی ارزش‌محور داد. درحالی‌که سیاست خارجی ایران در بخش اولیه دوران جنگ، عمدتاً بر مبنای گفتمان آرمان‌گرای امت‌محور بود، از اواسط دهه ۱۳۶۰ به تدریج و تحت تأثیر مشکلات داخلی و متأثر از فشارهای بین‌المللی به گفتمانی مرکز محور با تأکید بر ضرورت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ام‌القرای شیعه تبدیل شد. بنابراین تلاش ایران برای صدور انقلاب و همراه کردن شیعیان عراق بر اساس نظام گفتمانی حاکم در جهت برپایی یک حکومت نزدیک به انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی بر روند ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر داشت.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵۹/۷/۲۰ به نقل از رادیو بی بی سی. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه؛ ۱۳۶۱/۳/۲۴ به نقل از رادیو ترکیه. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۱۳۴، گزارش‌های ویژه ۱۳۶۷/۵/۱۱. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سند شماره ۱۵۱۸، S-1985. تهران: موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سند شماره ۱۰۸۵۳۵، کد S-1985. تهران: موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

۲۳۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سند شماره ۱۵۲۳، S-1985. تهران: موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سند شماره ۲۳۴۸، کد S-1986. تهران: موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

مرکز اسناد موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، شماره سند ۵۴۴۶، کد S-1975. تهران: موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

ب) کتاب:

ال اسپوزیتو، جان، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۲.

ازغندی، علیرضا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، قومس، ۱۳۸۱.

اویگاردن، راندی هونشمار، کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق، ترجمه مجید کریمی، تهران، انتشارات دافوس، ۱۳۹۶.

اهوازی، عبدالرزاق، امام خمینی(س) به روایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۸۵.

بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳.

بازرگان، مهدی، سرگذشت و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد فرهنگی مهندسی مهدی بازرگان، ۱۳۶۴.

بازرگان، مهدی، بازیابی ارزش‌ها، تهران: چاپخانه نراقی، ۱۳۶۴.

باستانی، حسین، «بازخوانی یک پرونده ۳۵ ساله؛ ادامه جنگ بعد از آزاد سازی خرمشهر»، ۱۳۹۶/۳/۳.

۲۳۳ بررسی تأثیرات گفتمان نظام حاکمیتی ایران در تداوم جنگ تحمیلی

بهداروند، مهدی، ورود به داخل خاک عراق - ضرورت‌ها و دستاوردها، تهران، معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، ۱۳۸۱.

تاجیک، محمدرضا، پادگفتمان و سیاست، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.

خلجی، عباس، ناسازدهای نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی، رساله دکتری. دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

خمینی، روح‌الله، صحیفه امام؛ «مجموعه آثار امام خمینی(س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸.

درودیان، محمد، علل تداوم جنگ، چ ۳، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۷.
درودیان، محمد، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛ پرسش‌های اساسی جنگ، چ ۴، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۹.

دهقان، احمد، ناگفته‌های جنگ: خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی، تهران، انتشارات سوره مهر، چ ۱۸، ۱۳۹۸.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت، ۱۳۹۲.

رشید، محسن، ماهنامه سیاسی - اجتماعی چشم‌انداز ایران؛ بخش گفت‌وگوی ویژه، ش ۱۱، ۱۳۸۰.

رضایی میرقائد، محسن، جنگ به روایت فرمانده، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۹۰.

رضایی، محسن، «دلایل و اهداف ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر»، فصلنامه نگین ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ش ۴، ۱۳۸۲.

السامرای، وفیق، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان فاروقی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۶.

سلطانی، مجتبی، خط سازش؛ تحلیل و بررسی تحقیقی و مستندی بر تاریخچه، مواضع و عملکرد نهضت آزادی ایران، ج ۱، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷.

الکوارى، صمدعبدالعزیز، عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران، ترجمه محمدعلی عسگری، تهران، پژوهشکده معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۷.

گذری بر دو سال جنگ، تهران، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

مک دائل، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نودری، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰.

محمدی، رضا و توران منصوری، «تحلیل کنش‌های گفتاری نمایندگان مجلس دوره اول شورای اسلامی با تأکید بر آیات جنگ و جهاد»، نشریه تحقیقات اسنادی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، س ۵، ش ۱۰، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.

منطقی، مرتضی، نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

نهضت آزادی ایران، تحلیلی پیرامون جنگ و صلح، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲.

وودز، کوین و همکاران، جنگ صدام: دیدگاه فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق، ترجمه داود علمایی، تهران، انتشارات مرز و بوم، ۱۳۹۱.

Milliken Jennifer "The Study of Discourse in International Relations: A Critique of Research and Methods", European Journal of International Relations. 1999.

Instant Empire Saddam Husseins Ambitions for Iraq, (san Francisco: Mercury House, 1991.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سند شماره ۱:

گزارش در خصوص ادعای طارق عزیز (وزیر امور خارجه عراق) مبنی بر تجزیه کردن ایران

به پنج بخش کوچک

دفتر طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت: ۱ - از شهرهای استان خوزستان
۲ - به استانداری خوزستان
۳ - منشاء: ۴ - منبع: ۵ - پیوست: ۶ - ملاحظات حفاظتی:

۷ - شماره گزارش: ۸ - تاریخ گزارش: ۹ - تاریخ وقوع: ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات: ۱۲ - گیرنده: **کتابخانه اسنادی مبارزین انقلاب**

موضوع: **عطف/ پیرو سیاست اداره امور اجتماعی شاجا**

طبق اطلاع واصله یک مقام بلند پایه شوروی، وارد عراق گردید و در یک پادگان از وسائل جنگی و درایمها بازدید و به فرمانده سرپوشه قول فرستادن هرگز نه کیبود وسائل جنگی را داده است و اضافه نموده اگر کشور ایران به ناک شجاعا و زور کرد مانع میگردد ایت که هیچ نقطه از کشور عراق بدست ایران نیفتد.

>

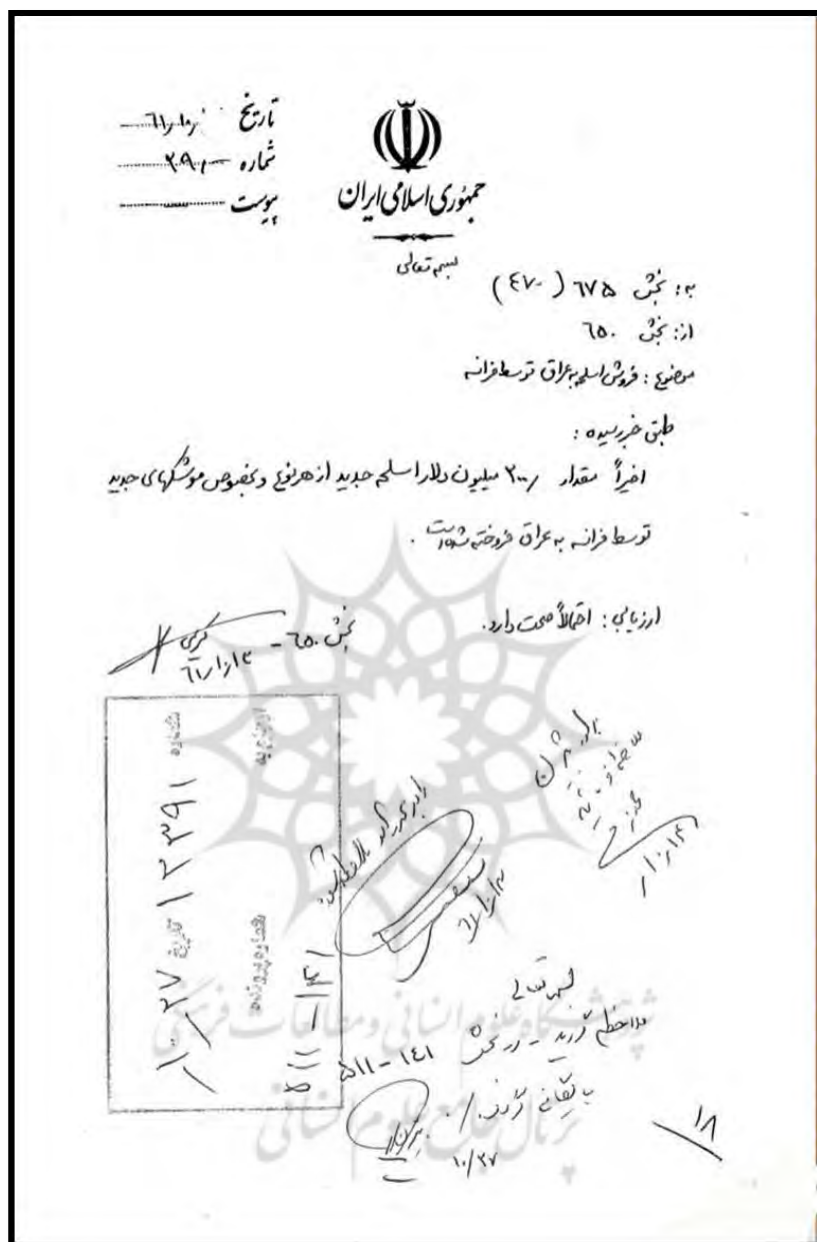
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - دفتر فرمانده
شماره ثبت: ۸۰۴۳ - سابقه نامه: ۶۶۷۶ - تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۱۰

ارزیابی: قابل بررسی است
تقریه: **طبقه بندی حفاظتی**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سند شماره ۲:

گزارش در خصوص دیدار یک مقام بلند پایه شوروی از پادگان نظامی عراق و قول مساعدت برای ارسال تجهیزات نظامی بیشتر



سند شماره ۳:

گزارش در خصوص فروش تجهیزات نظامی فرانسه به رژیم بعث عراق

درجه فوریت	۱۲/۴/۱۷
صفحه یکم از	صفحه بندی حفاظتی
نسخه شماره	درجک خطی
۱ - به	۶ - تاریخ وقوع
۲ - از	۷ - ملاحظات حفاظتی
۳ - شماره	۸ - گیرندگان
۴ - تاریخ	۴۳
۵ - پیوست	

۲۰۲۱

۶۱/۳/۱۸

۵/۸

سازمان وزیر دفاع عربستان در باره ایران و عراق -
واحد مرکزی خبر، ۱۸/۳/۶۱

وزیر دفاع عربستان سعودی در مصاحبه‌ای با خبرنگار هفته‌نامه نیویورک تایمز -
در روز ۱۸ بهار داشت و مقرر شد که استعراق با شکست مواجه شود و یاقزود و اگر
عراق مطلوب شود تمام اوضاع منطقه به هم می‌خورد ، از اینرو ما نمیتوانیم شکست عراق را تحمل
کنیم و انگلیس شکست ایران را نیز دوستوار نیستیم ، جنگ بین دو کشور در پیاف و صلاح هم
کمر نیست زبانهای حامله از این جنگ ممکن است تمام منطقه را در برگیرد ، من احسار
میکم که عراقی بصلح تمایل دارد و باراه حل سالت امیر از طریق مذاکره موافقت
دارد اما دستان ایرانی ما با مذاکره مخالفت می‌نمایند .

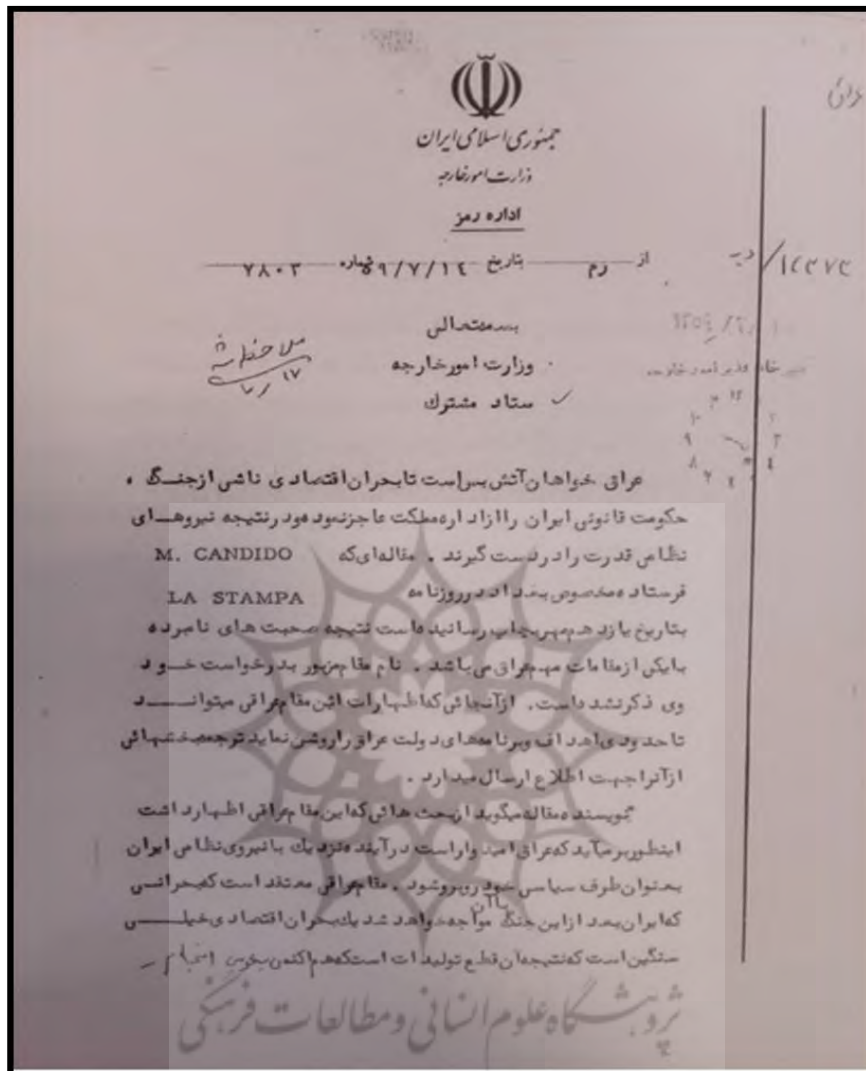
۱۰۶/۱۰/۱۳۵۴

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۴:

گزارش در خصوص سخنان وزیر دفاع عربستان در حمایت از عراق بعد از شکست در

خرمشهر



سند شماره ۵:

گزارش در خصوص امیدواری رژیم عراق به ایجاد بحران اقتصادی در ایران و تحقق اهدافش